

امکان ثبت‌نام آثار بخش ملی و بین‌الملل چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر فقط تا پایان فردا، سه‌شنبه ۳۰ آبان فراهم است و این مهلت تمدید نخواهد شد.

ثبت‌نام بخش بین‌الملل جشنواره چهل و دوم از اول مهر و بخش ملی از ابتدای آبان آغاز شده بود.

طبق فراخوان منتشرشده، این دوره از جشنواره در تاریخ ۲۱ شهریور، فیلم‌های بلند داستانی که دارای پروانه ساخت یا

فردا آخرین روز ثبت‌نام جشنواره فیلم فجر است

نمایش سینمایی از سازمان امور سینمایی و سمعی بصری بوده و تا قبل از بهمن ۱۴۰۲ اکران عمومی نشده، همچنین در سامانه‌های نمایش، درخواستی به صورت آنلاین و رسانه‌ای به نمایش درنیامده باشد و در ادوار گذشته جشنواره فیلم فجر نیز مورد بازبینی هیات انتخاب قرار نگرفته باشد، مجاز به حضور در بخش سودای سیمرغ خواهد بود.

تمامی فیلم‌های متقاضی شرکت در هر یک از بخش‌های

به مناسبت هفته کتاب در گفت‌وگو با مولف «فرهنگ سینمای فارسی» بررسی شد

خطری اعتنایی به تاریخ سینمای ایران

برش



نقش حمایت‌گرانه فرهاد قائمیان

وحید علیرضایی درباره آشنایی‌اش با فرهاد قائمیان و نقش مهم و حمایت‌گرانه او برای انتشار «فرهنگ سینمای فارسی» می‌گوید: آقای فرهاد قائمیان سال ۱۳۷۵ استاد من در انجمن سینمای جوان اردبیل بودند و گزارش‌نویسی و فیلم‌نامه‌نویسی تدریس می‌کردند.

از آن زمان با ایشان ارتباط داشتم و در تماس بودم. سال ۱۳۷۸ من یک مجموعه داستانی نوشتم که را به آقای قائمیان تقدیم کردم. سال ۹۳ و ۹۴ که کار تالیف و نوشتن کتاب «فرهنگ سینمای فارسی» را شروع کردم، آقای قائمیان به من پیغام داد من برای انتشار این کتاب کاملا از تو حمایت خواهم کرد و هر کمکی از دستم برآید، انجام می‌دهم.

بنابراین پروسه با همکاری ایشان جلو رفت تا به مراحل ویرایش، ادیت و چاپ رسید. واقعیت این است که من نه توانایی مالی چاپ این کتاب را داشتم و نه ناشرین توانایی را داشت. انتشار یک کتاب دو جلدی قطور حداقل ۴۰۰-۳۰۰ میلیون تومان هزینه می‌خواست.

مطمئنم اگر آقای قائمیان نبود، این کتاب چاپ نمی‌شد. ایشان پایه اصلی انتشار این کتاب شد. ضمن این‌که حمایت فقط مالی نبود و بیشتر از نظر معنوی ارزش بالایی داشت. یعنی اگر آن زمان قول حمایت از من را نمی‌داد، ما اصلا قید این کتاب را می‌زدیم. شروع و ادامه دادن ما در این راه مدیون قول آقای قائمیان است.



انتخاب کنید تا ما لایه‌لای صفحات این دو جلد از آنها استفاده کنیم اما بعدا این پوسترها در ابتدای هر جلد کار شد.

❏ چون در هفته کتاب و کتابخوانی هستیم، بد نیست چرایی سرانه پایین مطالعه اهل سینما را هم از شما بپرسیم.

آنهايي که کتاب می‌خوانند عموما از نظر مالی در مضیقه هستند و آنهايي که از نظر مالی مشکل ندارند کتاب نمی‌خوانند. یکی از مشکلات اصلی ما همین است. امیدوارم این امکان خرید کتاب برای گروه اول و علاقه به مطالعه در گروه دوم فراهم شود.

❏ «فرهنگ سینمای فارسی» چقدر به درد سینماگران و فیلمسازان می‌خورد؟

نمی‌شود سینماگر امروزی بی‌اعتنا به گذشته و این همه سال سابقه فیلمسازی در سینمای ایران باشد و باید سیر تاریخی به این نقطه رسیدن را بداند. اگر آن سینماگران نبودند، ما به این مرحله نمی‌رسیدیم. فرهنگ‌های سینمایی هم بخش‌هایی از تاریخ سینمای این مملکت را روایت می‌کنند و مطالعه آنها از نظر مضمونی و تکنیکی به کار فیلمسازان و سینماگران خواهد آمد.

سینمای جهان

بازی آل پاچینو در «دست دانه»



آل پاچینو ستاره کهنکار سینمای جهان و بازیگر آثاری چون پدرخوانده، مترسک، بعدازظهرسگی و بی‌خوابی یکی از نقش‌های اصلی فیلم «دست‌دانه» به‌کارگردانی جولیان اشتاینل را بازی می‌کند. جان مالکویچ، بنجامین کلمنتاین، سابرینا ایمپاسیاتوره، اسکار ایبراک، گل‌گدوت، جیسون موموا و جرارد باتلار از دیگر بازیگران این فیلم هستند. آن‌طور که مهر به نقل از ورایتی خبر داده، این فیلم معمایی جنایی این روزها در ایتالیا فیلمبرداری می‌شود. قصه فیلم دست دانه در قرن‌های ۱۴ و ۲۱ و در مکان‌هایی از جمله سیسیل، ونیز، ورونا و رم می‌گذرد. این فیلم براساس کتابی از نیک توشس ساخته می‌شود و حول یک دستنوشته از شعر دانه‌الیگیری به نام «کمدی الهی» می‌چرخد که در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود و به دست رئیس یک گروه اوباش شهر نیویورک می‌رسد. مارتین اسکورسیزی هم یکی از تهیه‌کنندگان اجرایی فیلم است و ارتباط نزدیکی با این پروژه دارد. این فیلم حدود شش هفته در ایتالیا فیلمبرداری می‌شود و دو هفته دیگر، گروه برای ادامه تولید، راهی نیویورک خواهد شد. احتمالا اولین نمایش جهانی فیلم در جشنواره فیلم ونیز سال آینده باشد.

تولید و دوبله می‌شد.

اما فیلمفارسی یک طعنه به سینمای فارسی بود و بار منفی داشت درحالی‌که آقای اسماعیل کوشان به فیلم‌هایی که خودش تولید می‌کرد، فیلم‌های فارسی می‌گفت. به مرور کلمه فیلم را برداشتند و از واژه سینمای فارسی به‌جای آن استفاده کردند که بار مثبت دارد. من هم به همین دلیل از عبارت سینمای فارسی برای این فرهنگ استفاده کردم. معادل سینمای فارسی در سینمای ترکیه هم است که به جای استفاده از سینمای ترکیه از واژه سینمای ترک Türk sineması استفاده می‌کنند.

❏ یعنی بیشتر ناظر به سینمای بدنه و تجاری ترکیه است و آثار متفاوتی چون «راه» ییلماز گونی و شریف گونر یا فیلم‌های نوری ییلگه جیلان یا مسیح کاپلان و غلغولایی در آن دارند.

دقیقا این مدل فیلم‌هایی که گفتید، شامل تعریف سینمایی‌ترک نمی‌شود. درمجموع

این‌که استفاده سینمای فارسی عمومی

دارد که فیلمفارسی فاقد آن است. استفاده از واژه فیلمفارسی نگاه انتقادی به ابتذال در سینمای ایران اما سینمای فارسی شامل عموم فیلم‌ها بود. با این حال استفاده از این عبارت به این معنی نبود که ما ضعف و ابتذال فیلم‌ها را نادیده بگیریم و آنها را نقد نکنیم.

❏ چرا نقد و تحلیل‌های کتاب یکدست نیست و رویکرد خاصی را دنبال نمی‌کند؟

به خودم اجازه ندادم به نقد دوستان عزیز دست بزنم تا ترکیبی از نقد و نگاه‌های مختلف را در کتاب داشته‌باشیم. مثلا آقای حسن سیفلی نگاه منفی به سینمای تجاری داشت و دل خوشی از آثار فیلمسازانی مثل عزیزا... بهادری و سعید مطلبی نداشتند. هرچند الان نظرم این است که باید کمی این نقدها را تعدیل می‌کردم.

❏ در حالی‌که انتظار می‌رود چنین کتابی یک خط و رویکرد اصلی را در کلیت، جزئیات و مدخل نویسی‌ها بی‌بگیرد و بتوان آن را مشخصه کتاب در نظر گرفت. اما الان هر تحلیل ساز خودش را می‌زند. مثلا شما کتاب راه استادان مسعود کیمیایی و چشم‌شیدار چمنند تقدیم کردید اما در خود کتاب خیلی با فیلم‌های کیمیایی خوب تا نشده‌است.

آن زمان قصدم احترام به آرای متکثر بود، به فرض در همین نمونه‌ای که مثال زدید. اگر خانم لیلا تو روزی نگاه ضد زنی را در این فیلم با سینمای کیمیایی تشخیص می‌دهد، آن را بیان می‌کند و من هم دست به این نقد و نگاه نمی‌زنم. اما اگر ذهنیت امروز را داشتیم، اجازه این همه نگاه تند را به دوستان منتقد در این کتاب نمی‌دادم. جذابیت این فرهنگ برای من کشف بعضی از فیلم‌های سینمای ایران بود که در مرور و نقد و بررسی‌ها سراغ آنها نمی‌روند.

❏ چرا فیلم‌ها را به ترتیب الفبا آوردید؟ به خاطر این‌که کتاب فرهنگ نویسی است.

❏ معمولا فرهنگ‌های سینمایی فیلم‌ها را به ترتیب سال می‌نویسند تا آن سیر تاریخی مورد نظر هم قابل ردیابی باشد.

من این کار را براساس روش تحقیق علمی و فرهنگ‌نامه‌ای انجام دادم و فیلم‌ها را به ترتیب حروف الفبا ذکر کردم.

❏ در نگاه اول این ترتیب الفبایی کار را برای مخاطبان سینما سخت می‌کند.

برخی عزیزان فرهنگ‌های قبلی را براساس سال ساخت فیلم‌ها نوشته‌اند اما به نظرم فرهنگ نویسی باید براساس حروف الفبا باشد. اتفاقا به نظرم با این روش جست‌وجو و یافتن فیلم‌ها برای خواننده راحت‌تر است. مثلا می‌داند فیلم «آب» اول کتاب است یا «یاور» در پایان کتاب آمده و...

❏ تعدادی پوستر چند فیلم شاخص سینمای ایران هم در ابتدای هر دو جلد آمده که حالت مجله‌ای به کتاب داده‌است.

آقای فرهاد قائمیان و آقای محمد نباتی، ناشر محترم نشر «عنوان» پیشنهاد کردند پوستر ۲۰ فیلم محبوب و شاخص سینمای ایران را

هدف سعی کردم خلأ نقد و بررسی تک‌تک فیلم‌های سینمای ایران در فرهنگ‌های پیشین را در این کتاب برطرف و اعمال کنم.

❏ البته هرچقدر کتاب چهارجلدی «فرهنگ فیلم‌های سینمای ایران»، جمال امید این سال هادیگر کارآیی ندارد و تقریبا همه اطلاعات و شناسنامه آن آثار در اینترنت موجود است اما کتاب دو جلدی و عظیم ارزشمند است و به ویژه نقد و تحلیل‌هایی از زمان اکران را درباره خیلی از فیلم‌ها دارد.

بله، آقای امید در این کتاب دو جلدی کار بسیار بزرگی انجام دادند و این اثر جزو منابع خیلی خوب کتاب «فرهنگ سینمای فارسی» بود که در مقدمه هم به آن اشاره کردم. اما مسأله آن کتاب هم این بود که آقای امید خوب شروع کرده بود اما بد تمام کرد. یعنی تا سال ۱۳۴۰ به همه فیلم‌های سینمای ایران اشاره کرده و بخش‌هایی از نقدهای منتشرشده درباره این آثار را در کتاب آورده‌است.

❏ برای سال‌های بعد هم این کار را کردند اما شاید به دلیل افزایش تولیدات و حجم بالای فیلم‌ها از میزان نقد و تحلیل‌ها کاسته شده باشد.

دقیقا، چون بعد از «گنج قارون» و آن سال ۱۳۴۴ به بعد به علت اقبال عمومی که به این فیلم می‌شود، ناگهان تعداد تولید سالانه از ۲۰ فیلم به ۵۷ و ۷۵ می‌رسد. آقای امید هم از این تعداد مثلا به ۱۰ فیلم شاخص هر سال اشاره می‌کند و برای باقی آثار عنوان سایر فیلم‌ها» را به کار می‌برد. آقای مهرایی هم همین کار را کرد و مثلا به پنج فیلم شاخص اشاره خوبی کرده و نقدهایی هم درباره آنها آورده اما درباره بقیه آثار از عبارت «سایر فیلم‌ها» استفاده کرده‌است. آن زمان که این کتاب‌ها را می‌خواندم، این سایر فیلم‌ها برایم عذاب‌آور بود. با هر کیفیتی، هر کدام از این فیلم‌ها بخشی از تاریخ سینمای ایران است و نباید از عبارت «سایر» برای آنها استفاده کرد. جالب است که بعضی از این سایر فیلم‌ها اتفاقا آثار شاخصی بودند، مثلا آقای مهرایی در کتابش فیلم «کندو» را جزو سایر فیلم‌ها گذاشته است اما این اثر بعدا به‌تدریج کشف شد و آقای گل‌مکانی جزو کاشفان این فیلم بود. معتقد بودم ما باید همه فیلم‌ها را ببینیم و به آنها اشاره کنیم. بعد از این مرحله دیدن است که می‌توانیم درباره آنها نقد و تحلیل داشته‌باشیم و فیلم خوب بد و بی‌ارزش را بشناسیم، ضمن این‌که نگاه نوستالژیک و غمخوارانه به سینمای فارسی نداشتیم بلکه نگاهی سینمایی را دنبال می‌کردیم.

❏ یعنی چشم‌تان را روی هیچ فیلمی نیستید؟

مستافانه غالبا در اشاره‌ها، نقد و تحلیل‌ها چشم‌ها را روی خیلی از فیلم‌های سینمای ایران می‌بندند. مثلا آقای بهارلو (غلام حیدری) کتابی به نام «تراژدی سینمای کمدی ایران» دارد. یعنی در همان اسم تکلیفش را با خواننده کتاب مشخص می‌کند و می‌گوید سینمای کمدی ایران تراژیک است. به نظرم این نگاه کمی بی‌انصافی در حق سینمای ایران بود اما من می‌گفتم در «فرهنگ سینمای فارسی» بی‌انصافی و قضاوت و پیشداوری نکنیم ولی اگر فیلم بد بود، بد بودن آن را با دلیل مطرح کنیم. درست است که ۸۰ درصد فیلم‌هایی که در کتاب به آنها اشاره کردم در ارزش‌گذاری جزو آثاری ارزش محسوب می‌شود اما به جهت سیر و اهمیت تاریخی باید از این فیلم‌ها یادی می‌کردیم.

❏ حالا که صحبت عنوان کتاب شد، اسم کتاب شما «فرهنگ سینمای فارسی» هم انکار حاوی یک نیش و کنایه به سینمای قبل از انقلاب است درحالی‌که از صحبت‌های‌تان و از خود کتاب، توجه به سینمای بدنه و تجاری هم استنباط می‌شود. حتی با فاصله بسیار کم کلمات در عنوان، خواننده کتاب پیش از مواجهه با اثر یا فیلمفارسی (بدون فاصله و سرهم) موردنظر هوشنگ کاووسی و عنادش با آن فیلم‌ها می‌افتد. توضیحی در این باره می‌دهید؟

باید بین سینمای فارسی و فیلم فارسی (فیلمفارسی) تمایز قائل باشیم. همه فیلم‌هایی که قبل از انقلاب ساخته شد، در زیرمجموعه واژه سینمای فارسی قرار می‌گیرد، به خاطر این‌که فیلم‌ها به زبان فارسی

«فرهنگ سینمای فارسی»، چه جذابیت و مهم‌تر ضرورتی برای یک فیلم‌ساخت دیگر دیدید؟

قبل از این فرهنگ، چهار فرهنگ معتبر دیگر درباره سینمای ایران داشتیم، «تاریخ سینمای ایران» آقای مسعود مهرایی، «فیلم‌ساخت ایران» آقای عباس بهارلو، «فرهنگ فیلم‌های سینمای ایران» آقای جمال امید و «راهنمای فیلم سینمای ایران» آقای حسن حسینی. اما موردی که من ضرورت تالیف یک فرهنگ دیگر سینمایی را احساس کردم این بود که بیشتر این فرهنگ‌ها جز شناسنامه و خلاصه داستان نبودند و سراغ نقد و بررسی فیلم‌ها نرفته بودند. مثلا «فیلم‌ساخت ایران» آقای بهارلو اطلاعات تیتراژ فیلم‌ها را همراه خلاصه داستان‌شان نوشته بود. نظر من نقد و بررسی تحلیل آثار سینمای ایران بود. وقتی شما «فرهنگ فیلم سینما» را باز می‌کنید، باید پیشنهاد بدهد که فلان فیلم را به این دلیل ببینید، یا به این علت سراغ فلان فیلم نبروید. همیشه جای این مبحث را در این فرهنگ‌ها خالی می‌دیدم. مثلا وقتی شما کتاب «راهنمای فیلم» (سینمای جهان) آقای بهزاد رحیمیان را می‌بینید، نقد و تحلیل مختصری هم درباره هر فیلم می‌خوانید. یا آقای بهروز دانشفر در «فرهنگ جهانی فیلم» کار ارزش‌گذاری درباره فیلم‌ها را با کمک آقای هوشنگ گل‌مکانی که ویراستار آن کتاب بودند انجام داد.

به جز تحلیل و ارزش‌گذاری، ژانربندی هم برای من مهم بود. در فرهنگ فیلم‌های قبلی، فقط اسم فیلم‌ها ذکر می‌شد و مشخص نبود که فیلم‌ها در چه ژانری ساخته شده‌اند. برای همین کاستی‌ها سراغ نوشتن «فرهنگ سینمای فارسی» رفتم. البته همزمان با من، آقای حسن حسینی تالیف و نگارش «راهنمای فیلم سینمای ایران» را شروع کرده بود؛ اثری که رویکرد نقد و تحلیل فیلم‌ها را دنبال می‌کند، منتها ایشان هم در این کتاب به ۵۴ فیلم پرداخت. درحالی‌که من که به صورت آکادمیک تاریخ خوانده‌ام، معتقدم در یک روش علمی و سیر و بررسی تاریخی نمی‌شود بعضی از قسمت‌ها و فیلم‌ها را نندید. انگار درباره تاریخ قاجار حرف بزنیم اما محمدشاه را حذف کنیم. بنابراین تصمیم گرفتیم همه فیلم‌های موجود سینمای ایران را فارغ از خوب یا بد بودن ببینیم. همه این آثار بخشی از تاریخ سینمای ایران است. ما حتی به فیلم‌هایی که موجود نبود هم اشاره کرده‌ایم و با استفاده از منابع مکتوب همچون مجلات قدیمی، نقد و تحلیلی درباره آنها داشته‌ایم. با این

انتشار کتاب دو جلدی «فرهنگ سینمای فارسی» تالیف وحید علیرضایی که بیش از ۱۲۰۰ فیلم سینمای ایران در بازه زمانی ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۷ را معرفی و نقد می‌کند، پاسخی دیگر به شور و عشق مخاطبان جدی سینما و کتاب است و اگر این گروه توانایی خرید آن را نداشته باشند، می‌توانند جایی برای این اثر در کنار دیگر فرهنگ‌ها و شناخت‌نامه‌های موجود سینمای ایران در کتابخانه خود باز کنند و به وقت نیاز و ضرورت مطالعاتی، سراغ

تورق آن بروند.

علیرضایی ۱۴ سال از عمرش را صرف تالیف این کتاب کرده و در همکاری با برخی منتقدان و نویسندگان سینمایی نظیر حسن سیفلی، حمید رستمی و لیلا تو روزی، اثری را تهیه و تدارک دیده که با وجود برخی موارد که فردین جبرانی و هوشنگ گل‌مکانی مدتی پیش در سلسله جلسات عصر چهارشنبه‌های مجله بخارا به آنها اشاره کردند، کاری بزرگ، خواندنی و واجد نکات مثبت است. از نکات قابل اشاره درباره «فرهنگ سینمای فارسی» حمایت مادی و معنوی فرهاد

قائمیان، بازیگر شناخته‌شده سینما

و تلویزیون از انتشار آن است.

قائمیان مدتی است که در کوشش ارزنده ادبی و در قالب کتاب‌های «قرقره‌فام» نشر عنوان از نویسندگان جوان برای انتشار کتاب حمایت می‌کند.

❏ معمولا سینه فیلم‌ها و علاقه‌مندان جدی سینما از هر فرهنگ سینمایی استقبال می‌کنند و برای‌شان جذاب است اما شما به عنوان مولف

فرهاد قائمیان



قاب



میزبانی «موزه سینما» از سینما حقیقت

مستندهای هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینما حقیقت» به جز پردیس چارسو به عنوان خانه جشنواره، در موزه سینما هم نمایش خواهند داشت.

این انتخاب به دلیل گسترش مخاطبان سینمای مستند و ایجاد دسترسی و امکانات بیشتر برای علاقه‌مندان، انجام شده است. شرایط حضور در این سینما به‌زودی اطلاع‌رسانی خواهد شد. این سینما، سینمای مردمی هفدهمین جشنواره سینما حقیقت است.

هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینما حقیقت با دبیری محمد حمیدی مقدم اواخر آذر امسال برگزار می‌شود.

رویداد

حضور «برای آوا» در هندوستان

فیلم «برای آوا» به تهیه‌کنندگی فرانک فروتن و کارگردانی محسن سراجی در ادامه حضور جهانی خود راهی پنجاه و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم گوا در هندوستان شد.

گوا جشنواره اصلی هند است که سالانه در شهر ساحلی گوا برپا می‌شود، یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های فیلم در آسیاست.

فیلم برای آوا که در ژانر کودک و نوجوان تولید شده، تاکنون در چند جشنواره آمریکایی از جمله ریچفیلد موفق به کسب جایزه شده است و اکنون شانس خود را برای جایزه طاووس طلایی گوا امتحان می‌کند. برای آوا، داستان رفاقت ناب و تلاش یک گروه نوجوان تئاتری برای حل مشکل همگروهی ایرانی -افغانستانی‌شان است. مهدی زمین‌پرداز، نگار عابدی، رضا جهانی، محمدهادی عطایی، فرانک فروتن و ریحانه پردانیار در کنار بازیگران نوجوان در این اثر به ایفای نقش پرداخته‌اند. شروین منیعی تدوینگر، عبدالقادر طاهارزاده مدیر فیلمبرداری، آرش قاسمی صداگذار، سپهر سراجی آهنگساز و خانه تئاتر البرز مجری طرح پروژه هستند. مهدی زمین‌پرداز از بازیگر آثاری چون آخرین روزهای رستمآن، ماجرای نیمروز و مرد بازنده، همزمان با فعالیت در سینمای بلند، در فیلم‌های کوتاه هم حضور پررنگی دارد.